

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

دوشنبه ۱۹ اپریل ۲۰۲۱

حمید انوری

## صلح

صلح خر، صلح فروش و صلح گدا

بر صلح و جنگ اهل جهان اعتماد نیست

چون صلح می کنند، مہیای جنگ باش

در این ہیاہوی جنگ و صلح، در این بازار مکار صلح فروشی و صلح خری، صلح واقعی حکم کیمیا دارد. یکی اندرین بازار، صلح میفروشد کہ طالب او را نام است، یکی صلح میخرد و چه گران میخرد (البته بہ قیمت بربادی افغانستان) کہ اتازونی نام دارد و آن دیگری صلح گدائی میکند بہ قیمت آبروی خلق خدا کہ آنرا جمهوری اسلامی نام گذاشته اند.

در این آشفته بازار، صلح را بخشند و بہا نیز کنند.

طالب اما اندرین میانہ افادہ میفروشد کہ با انفجار و انتحار و کشتار، امریکا را بہ زانو درآورده است، اما رئیس جمهور کنونی امریکا "جو بایدن" با صراحت می گوید کہ بہ اہداف خود در افغانستان رسیدہ اند و...، گویا در نزد اینہا، باقی ہمہ پشم است.

آنچه اما واضح و آشکار و ہویدا است، این تواند بود کہ طالبان یک مشیت نمایندہ بہ مذاکرات "صلح" دوحہ و ماسکو و انقرہ میفرستند، آنان یک ترکیب مشخص دارند و یک آجندا و یک خواست، اما در ہیئت اعزامی جمهوری اسلامی افغانستان، کشمکش های شدید وجود دارد و ہر بی کار و بی روزگاری تلاش میکند عضو این ہیئت ہا باشند.

در این بیغولہ دانی کہ افغانستان آنرا نام است، جہت عضو شدن در ہیئت "صلح"، سر و دست و پا می شکنند و...

برای این دسته افراد و اشخاص، "صلح" اصلاً مطرح نیست و به خیر و صلاح مردم و مملکت، حتی لحظه ای هم نمی اندیشند و از "صلح" فقط این برداشت را دارند که آل و مال و جایداد ها و سرمایه های میلیونی باد آورده شان در امان بماند و یکی دو چوکی گک هم به دست آوردند و آنچه در نیم قرن اخیر و خاصاً در بیست سال پسین از خون ملت اندوخته اند، در امن و امان بماند و بازخواستی در کار نباشد. از همین رو است که این دلچکان تاریخ گاهی به ماسکو می لولند و نماز جماعت به امامت خونخوار ترین و ددمنش ترین افراد طالب بجا می آورند، گاهی فرزندان و برادران خود ها را به دوحه میفرستند تا چهار روزی شکم های پندیده شانرا در هتل های پنج ستاره نوازش کنند و اینبار هم قصد سفر به انقره دارند و در سر سفره های مجال قصر سپیدار سیه دل، با تمام توان و با تمام زر و زور و تزویر که در اختیار دارند، مشغول چانه زنی اند.

ببینید هموطنان که از هر سر بی مغزی، ده ها طرح و پلان ریخته می شود، یکی دعوی ریاست جمهوری دارد، دیگری فدالی طلبی میکند، آن دیگری حکومت متمرکز میخواهد، جمع دیگری از حکومت انتقالی و مؤقت صحبت میکنند و آن دیگری از هم اکنون دعوی صدارت دارد و عاقبت هم طرح می ریزند که " ... در خصوص قوه اجراییه کشور آمده است که این نهاد دربرگیرنده رئیس جمهور و چهار معاون رئیس جمهور به شمول یک زن، صدراعظم و چهار معاون صدراعظم به شمول یک زن ، وزرای کابینه، رؤسای ریاست های مستقل، و سایر ادارات خواهد بود..".

به وضاحت دیده می شود که آقایان و خانم ها در داخل حکومت، بیشتر مشغول چانه زنی و قدرت طلبی اند، تا اینکه به فکر یک صلح شرافتمند باشند. چه خوش گفته اند " بز در غم جان کنن، قصاب در غم چربو". این طایفه را غصه رنج دیگران نیست.

این خانم ها و آقایان که در بیست سال پسین، کشوری را به گروگان گرفته اند، امروز اما یا در غم خریداری "صلح" به قیمت خون صدها هزار هموطن بی گناه و بی دفاع و مظلوم ما هستند، یا هم در دوحه و ماسکو و انقره "صلح" گدائی میکنند و در غم خود و آل و عیال خودها اند، نه در غم ملت و مملکت.

آسوده دلان را، غم شوریده سران نیست

این طایفه را ، غصه رنج دگران نیست

بیائید لحظه درنگ کنیم و با چشم باز و فارغ از وسوسه های درون و بیرون و قوم و تبار و...، دقیق شویم که از مذاکرات "صلح" ماسکو و دوحه چه به دست آوردیم که از مذاکرات "صلح" انقره به دست آوریم.

همین اردوغان کثیف با ملت خود چکار کرد که با ما کند؟

این اردوغان در بچه گی ها رفیق شفیق گرمابه و گلستان فردی بنام "گلبدین حکمتعار" بود و بعد هم رفیق شفیق شراب و کباب فرد جنایت گستری به نام "رشید دو-ستم" (ستم مضاعف).

علاوه بر آن گلبدین بی دین را ببینید که نان از توبره میخورد و سر در طویله شور می دهد، با طالب در یک میز غذا میخورد و مصارف کمر شکن خود و افراد بی بند و بار و هرزه و هرجائی خود را از حکومت مرکزی زهر مار میکند و شب و روز در فکر توطئه چینی و دسیسه بازی است. همین او بود که در خانه خدا قسم خورد و فردای آن قسم خود را در کابل شکست.

همین رشید دوستم بود که به همه باداران خود خیانت کرد، به کشور خیانت کرد، به مردم خیانت کرد، گاهی به ساز اشغالگران روسی رقصید و گاهی هم به ساز اشغالگران امریکائی.

هموطن! صلحی که خرید و فروش شود، صلحی که در ماسکو و دوحه و انقره و در پشت پرده گدائی شود، هرگز صلحی نخواهد بود که مردم جنگ زده و برباد داده شده افغانستان را به سرمنزل مقصود رساند.

صلح واقعی و حقیقی در صورتی به دست می آید که در میدانهای جنگ، طرفین جنگ به یک بن بست مواجه شوند و یقین حاصل کنند که نیرو های جنگی و نظامی شان در یک حالت تعادل قرار گرفته اند و در آن جنگ هیچگونه امید پیروزی طرفین وجود ندارد. باج دادن یک جانب جنگ به جانب دیگر، همانا گدائی کردن صلح تواند بود.



مشت نمونه خروار به عکس های فوق دقیق شوید، اینها هرگز نمی خواهند صلح به کشور برگردد. برای این جمع نامتجانس به شمول کرزی و احمد و محمود و کلبی و مقصود، آمدن صلح به افغانستان، یعنی از دست دادن تمام مزایای بی سرحدی تواند بود که در بیست سال گذشته به قیمت خون هزاران هزار هموطن مظلوم ما به دست آورده اند.

اینها هرگز صلح نمی خواهند. "صلح" برای این جمع نامتجانس به منزله، خودکشی است و دگر هیچ.

صلح فقط و فقط میتواند در داخل افغانستان و با اشتراک قربانیان جنگ، بیوه ها و یتیم ها و نماینده های واقعی اقوام و اقشار مختلف افغانستان، به شمول نماینده های مذاهب مختلف به وجود آید. جنگ سالاران هرگز صلح طلب نیستند. آنان به جز جنگ، دگر هیچ چیزی در چانته ندارند.

جایی که برادر به برادر نکند رحم  
بیگانه برای تو برادر شدنی نیست

بیگانه ها هرگز برای ما و شما و ملک و مملکت ما و شما صلح نه می آورند و نه هم آورده می توانند. بیگانه ها همیشه جنگ می آورند و چه ساده هم می آورند. هموطن! اگر میل کردی به این لاینک هم اندکی فشار بده.

<https://youtu.be/Vo۷۳QXC۴xRY>